

کمون پاریس

در تاریخ، بیشتر اوقات انقلاب پس از جنگ فرا می‌رسد. در اوضاع عادی توده‌های کارگر خود را با تحمل رنج بسیار از روزی به روز دیگر می‌رسانند و کار برده‌وار خود را با بردباری انجام می‌دهند و در مقابل نیروی شگرف عادت پشت دوتا می‌کنند. اگر عادت نبود نه مراقبان و نه پلیس، نه زندان بانان و نه دژخیمان، نمی‌توانستند توده‌هایی را که چنین از جان و دل به سرمایه‌داری خدمت می‌کنند بدین گونه منقاد سازند.

جنگ، که توده‌ها را چنین شکنجه می‌کند و تباه می‌سازد، برای فرمان‌روایان هم خطرناک است. درست بدین دلیل که با یک ضربت مردم را از وضع عادی شان بیرون می‌کشد و با تندر خود عقب مانده‌ترین و غافل‌ترین افراد را بیدار می‌سازد که از اعمال خود سیاهه‌ای تهیه کنند و به اطراف خویش بنگرند.

جنگ و انقلاب

فرمان‌روایان برای به زور راندن میلیون‌ها رنجبر به درون شعله‌های جنگ مجبور هستند که به جای عادت دست به دامن وعده و دروغ شوند.

طبقه ی متوسط جنگ خود را با آن چه برای روح بزرگوار توده ها گرامی است بزک می کند: جنگ در راه «آزادی» است، برای «دادگری» است، و با هدف «زندگی بهتر». جنگ که توده ها را از پست ترین بی غوله هایشان بیرون می کشد همیشه دست آخر آن ها را گول می زند: و برایشان ارمغانی نمی آورد جز زخم ها و زنجیرهای تازه. بدین دلیل وضع برانگیخته ی توده های فریب خورده که حاصل جنگ است گاهی به انفجاری علیه فرمان روایان کشانیده می شود؛ جنگ انقلاب می زاید.

دوازده سال پیش در طول جنگ روس و ژاپن چنین روی داد: جنگ نارضانی مردم را شدیدتر کرد و به انقلاب ۱۹۰۵ انجامید.
در فرانسه چهل و شش سال پیش چنین اتفاقی روی داد: کار جنگ ۱۸۷۰-۱۸۷۱ فرانسه و پروس به قیام کارگران و آفرینش کمون پاریس کشید.

کمون

حکومت طبقه ی متوسط برای دفاع از پایتخت در مقابل سپاهیان آلمانی کارگران را مسلح کرده و گارد ملی را به وجود آورده بود. اما طبقه ی متوسط فرانسوی از کارگران خود بیشتر ترسید تا از لشکریان هومن تزولرن^۱. پس از تسلیم پاریس حکومت جمهوری در صدد خلع سلاح کارگران برآمد. اما جنگ در اینان روح طغیان را بیدار کرده بود. نمی خواستند به همان وضع کارگری برگردند که پیش از جنگ داشتند. کارگران پاریس از تسلیم سلاح هائی که در دست داشتند امتناع کردند. میان کارگران مسلح و هنگ های دولت

^۱ - هوهانزولرن Hohenzollern به (آلمانی هومن تزولرن)، آخرین سلسله ی پادشاهان پروس و امپراتوران آلمان از ۱۷۰۱ تا ۱۹۱۸.

درگیری روی داد. این واقعه در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ پیش آمد. کارگران پیروز شدند و پاریس به دست آنان افتاد، و در ۲۸ مارس در پایتخت حکومتی کارگری، به نام کمون، برقرار کردند. این حکومت دیر نپایید. آخرین مدافعان کمون بعد از یک پایداری دلیرانه در برابر حمله ی لشکریان طبقه ی متوسط به خاک و خون غلتیدند و آن گاه هفته ها و ماه ها قصاص از شرکت کنندگان در انقلاب طبقه ی زحمت کش در جریان بود. اما کمون، با همه مستعجل بودن دولت اش، بزرگ ترین رویداد در تاریخ مبارزه های کارگری شناخته شد. طبقه ی زحمت کش جهان توانست برای اولین بار براساس تجربه ی کارگران پاریسی ببیند که انقلاب زحمت کشان چیست، هدف های آن کدام است، و چه راه هائی را باید در پیش گیرد.

کارهای بزرگ کمون

کمون شروع کرد به تأیید برگزیده شدن بیگانه گان در دولت کارگری؛ اعلام کرد که: «پرچم کمون پرچم جمهوری جهانی است.»^۱

کمون دولت و مدرسه را از دین پاک کرد، کیفر مرگ را لغو نمود، ستون و اندوم^۲ را (که نشانه ی میهن پرستی افراطی بود) به زیر کشید، همه ی وظیفه ها و مقام ها را به خدمت گزاران اصیل مردم سپرد و دست مزد آنان را در سطحی نه بالاتر از مزد کارگر قرار داد.

^۱ - ستون و اندوم Vendome ستونی که به یادبود پیروزی های ناپلئون بناپارت ساخته شد. کمون آن را خراب کرد اما تی پر آن را مجدداً برپا ساخت. هنوز وجود دارد. (ن)

شروع کرد به آماربرداری از کارخانه ها و کارگاه هائی که سرمایه داران هراس ناک تعطیل کرده بودند، برای این که تولید را برپایه ی اجتماعی آغاز کند. و این گام اول بود به سوی سازمان جامعه گرایانه زندگی اقتصادی. کمون اقداماتی را که در نظر داشت تحقق نبخشید، زیرا که خود درهم شکست. طبقه ی متوسط فرانسوی با هم کاری بیسمارک «دشمن ملی» خود- که در دم متفق طبقاتی آن شد- قیام دشمن راستین خود، یعنی طبقه ی کارگر، را به خون کشانید. نقشه ها و وظیفه های کمون جامعه ی عمل نبوشید اما در عوض به دل های بهترین فرزندان طبقه ی کارگر جهان راه یافت. آن نقشه ها و وظیفه ها میثاق های انقلابی مبارزه ی ما شده است.

و امروز، در ۱۸ مارس ۱۹۱۷ تصویر کمون آشکارتر از همیشه در برابر ما پدیدار می شود، زیرا که بعد از گذشت زمانی دراز، یک بار دیگر به دوره ی جنگ های انقلابی گام نهاده ایم.

جنگ جهانی

جنگ جهانی ده ها رنجبر را از اوضاع عادی که در آن ها کار می کردند و رویش داشتند، بیرون کشیده است. تا کنون این وضع فقط در اروپا بوده است؛ فردا همین را در آمریکا هم خواهیم دید. هیچ گاه به طبقه ی کارگر نویدهای بیشتر از این داده نشده بود. هیچ گاه چنین رنگین کمان هائی برای آنان ترسیم نگردیده بود. هیچ گاه به اندازه ی دوره ی این جنگ به آنان تملق نگفته بودند. هیچ گاه طبقات دارا جرأت نکرده بودند که برای دفاع از دروغی که «دفاع از مام میهن» نام دارد این همه خون از مردم به خواهند. و هیچ گاه

پیش از این رنجبران این قدر فریب نخورده و مورد خیانت واقع نگردیده و قربانی نشده بودند.

در سنگرهای خندقی پُر از خون و لای و در شهرها و روستاهای قحطی زده میلیون ها دل با هیجان و نومیدی و خشم می تپند. و این تأثیرها دست به دست اندیشه های جامعه گرایانه داده و به حمیت انقلابی تبدیل شده است. فردا شعله ها به صورت قیام های نیرومند و آشکار توده های کارگری زبانه خواهند گشید.

طبقه ی زحمت کش روسیه هم اکنون از شاهراه انقلاب سربرآورده است و پایه های ناشریف ترین استبدادی که جهان به خود دیده است بر اثر برخورد با آن می لرزد و فرو می ریزد. با این همه انقلاب روسیه چیزی نیست جز منادی طغیان های زحمت کشان در همه ی اروپا و در سراسر جهان.

ما جامعه گرایان به توده های سرکش کارگری خواهیم گفت: کمون را به یاد بیاورید! طبقه ی متوسط شما را علیه دشمنی خارجی مسلح کرده است. از پس دادن سلاح ها امتناع کنید، آن چنان که کارگران پاریسی در ۱۸۷۱ کردند! به دعوت کارل لیب کنشت^۳ توجه کنید و این سلاح ها را به سوی دشمن راستین خود، به سوی سرمایه داری برگردانید! ماشین دولت را از چنگ آنان بیرون آورید! آن را از وسیله ی ستم طبقه ی متوسط به ابزار حکومت طبقه ی زحمت کش بر خود آنان بدل کنید. امروز شما بسیار نیرومندتر از آن هستید که

^۳ - لیب کنشت، کارل Karl Liebknecht انقلابی آلمانی و هم کار روزا لوکزامبورگ مخالف حکومت Ebert. در ۲۵ دی ۱۵ ژانویه ۱۹۱۹ با روزا لوکزامبورگ دستگیر و کشته شد.

روزا لوکزامبورگ، Rosa Luxemburg، (۱۸۷۰-۱۹۱۹)، انقلابی و نظریه پرداز لهستانی. رهبر طغیان کارگران آلمانی که به جنگ جهانی انجامید. از پیروان و از شهیدان نهضت کمونیستی بین المللی.

نیاکان شما در زمان کمون بودند. همه ی انگل ها را از تخت هایشان به زیر
آورید! زمین ها، معدن ها، کارخانه ها، همه را برای مصرف خودتان تصرف
کنید. برادری در کار، و برابری در بهره مندی از نتیجه ی کار!
پرچم کمون پرچم جمهوری جهانی کارگر است.

نیویورک ۱۷ مارس ۱۹۱۷

بازنویس: اکبر سعیدی

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳